



ارزیابی عملکرد ماده (۶۶) برنامه ششم توسعه در خصوص نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی در زیرنظام‌های غیرپزشکی آموزش عالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۷/۲۶

شماره مسلسل: ۱۹۳۴۱

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

ارزیابی عملکرد ماده (۶۶) برنامه ششم توسعه در خصوص نسبت دانشجو به عضو هیئت‌علمی در زیرنظام‌های غیرپزشکی آموزش عالی

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش عالی و تحقیقات)

تهیه و تدوین کنندگان:

حسین نصیری، هادی یوسفی، مهدی مهدی

مدیر مطالعه:

حسین نصیری

ناظران علمی:

موسی بیات، بهروز طهماسب کاظمی

اظهار نظر کننده:

یوسف زراعت کیش

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

واژه‌های کلیدی:

۱. برنامه ششم توسعه

۲. نسبت دانشجو به عضو هیئت‌علمی

۳. کیفیت آموزش عالی



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه و بیان مسئله.....	۸
۲. نسبت دانشجوی به عضو هیئت علمی در برخی از کشورها.....	۹
۳. وضعیت موجود نسبت دانشجوی به استاد در زیرنظام های غیر پزشکی آموزش عالی ایران.....	۱۱
۴. آسیب شناسی نسبت دانشجوی به عضو هیئت علمی در کشور.....	۱۳
۵. نتیجه گیری و پیشنهادات.....	۱۸
منابع و مأخذ.....	۱۹

فهرست جداول

جدول ۱. نسبت دانشجوی به هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی به تفکیک نوع مؤسسه در سال ۲۰۲۰.....	۹
جدول ۲. تفکیک رشته های دانشگاهی براساس نسبت مطلوب دانشجوی به هیئت علمی در اسکاتلند (۲۰۲۳).....	۱۰
جدول ۳. جمعیت اعضای هیئت علمی در سال های تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به استثنای وزارت بهداشت.....	۱۱
جدول ۴. نسبت تقریبی دانشجوی به یک عضو هیئت علمی تمام وقت، بین سال های تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در زیرنظام های غیر پزشکی آموزش عالی.....	۱۲
جدول ۵. جمعیت دانشجویی به تفکیک زیرنظام ها در سال های تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹-۱۴۰۰.....	۱۳

فهرست نمودارها

نمودار ۱. میزان پذیرش در مقطع کارشناسی در برخی از زیرنظام های آموزش عالی به ازای هر عضو هیئت علمی در سال های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۰.....	۱۴
نمودار ۲. روند رشد شهریه ثابت دانشگاه پیام نور طی سال های ۱۴۰۱-۱۳۹۱ (ارقام به ریال).....	۱۶
نمودار ۳. نمودار شاخص قیمت مصرف کننده طی سال های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ (سال پایه ۱۳۹۱).....	۱۷



ارزیابی عملکرد ماده (۶۶) برنامه ششم توسعه در خصوص نسبت دانشجویان عضو هیئت علمی در زیرنظام‌های غیر پزشکی آموزش عالی

چکیده



اجتماعی ۲۵ و در مهندسی و کشاورزی ۱۴ است. هر چند براساس بررسی عملکرد آموزش عالی کشور مشخص شد این نسبت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۲۵ به ۱، دانشگاه پیام‌نور ۱۲۵ به ۱، دانشگاه فرهنگیان ۱۰۰ به ۱، دانشگاه فنی و حرفه‌ای حدود ۲۵۰ به ۱، دانشگاه آزاد اسلامی حدود ۳۲ به ۱ و در مؤسسات غیرانتفاعی حدود ۹۱ به ۱ است. اما این عملکرد و نحوه هدف‌گذاری قانون برنامه ششم توسعه به دلایلی همچون بی‌توجهی به ملاحظات رشته‌ای، مأموریت‌های هر یک از دانشگاه‌ها و نیز مقاطع تحصیلی؛ کیفیت آموزش عالی کشور را توضیح نمی‌دهد و اساساً نمی‌توان قضاوت صحیحی در این خصوص داشت. در مجموع این نسبت متأثر از ساختار، نوع حکمرانی و مأموریت‌های آموزش عالی است.

در این گزارش شاخص آموزشی نسبت دانشجویان عضو هیئت علمی که از شاخص‌های مورد تأکید قانونگذار در برنامه ششم توسعه است و بر کیفیت آموزش عالی نیز تأثیرگذار است، در زیرنظام‌های غیر پزشکی در بخش‌های دولتی و غیردولتی بررسی شده است. در این گزارش پس از احصا تجارب بین‌المللی در این زمینه، آخرین آمار ایران در این زمینه که مربوط به سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است، آورده شده است. در ادامه براساس تجارب بین‌المللی، آسیب‌شناسی از وضعیت موجود کشور در این شاخص صورت گرفت و در نهایت راهکارهایی در این خصوص پیشنهاد شده است. براساس تجارب بین‌المللی میانگین نسبت دانشجویان عضو هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی عمومی ۱۵ و خصوصی ۱۷ و در رشته‌های علوم انسانی و



بیان مسئله

کیفیت آموزش عالی حاصل مجموعه‌ای از عوامل متعدد از جمله میزان تناسب استاد و دانشجو در کلاس‌های درس است؛ زیرا این شاخص نشان‌دهنده میزان تعامل بین استاد و دانشجو و دریافت بازخورد از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. بنابراین ارزیابی نظام آموزش عالی از این بُعد راهی برای رصد کیفیت آن است. همچنین با مقایسه این شاخص و استاندارد مربوط می‌توان از وضعیت تراکم کلاس‌های دانشگاه آگاه شد. در کلاس استاندارد فراگیر فرصت بیشتری برای تعامل با یاددهنده وجود دارد. ضمن اینکه این شاخص یکی از ابزارهای اصلی تعیین فضای آموزشی، میزان تخصیص منابع مالی و انسانی و به‌طور کلی مدیریت بهینه منابع در نظام آموزش عالی است.

یافته‌های کلیدی

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، نسبت دانشجو به هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی عمومی ۱۵ و مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۱۷ است. در این بررسی‌ها مشخص شد که میانگین نسبت دانشجو به استاد در رشته‌های مبتنی بر تدریس کلاسی مانند علوم انسانی و اجتماعی ۲۵، در رشته‌های نیمه کلاسی - نیمه آزمایشگاهی مانند علوم کامپیوتر، موسیقی و تربیت بدنی ۲۱، در رشته‌های آزمایشگاهی پرهزینه همچون رشته‌های مهندسی و کشاورزی ۱۴ و در رشته‌های پزشکی بالینی مانند پزشکی، دندان پزشکی، دام پزشکی و هنرهای موسیقی ۱۰ است.

به‌طور کلی در این بررسی‌ها مشخص شد این نسبت در مؤسسات خصوصی و دولتی متفاوت است، این نسبت متأثر از عواملی چون ساختار، نوع حکمرانی و مأموریت‌های آموزش عالی است و با افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه کاهش می‌یابد. همچنین این نسبت در رشته‌های نظری مانند علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با رشته‌های عملی و کارگاه‌هایی مانند پزشکی و مهندسی بالاتر است.

بررسی وضع موجود این شاخص‌ها در زیر نظام‌های غیر پزشکی آموزش عالی در کشور نشان می‌دهد هر چند تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در دو دهه گذشته در کنار روند کاهشی دانشجویان، افزایش داشته است، اما این تغییرات به میزانی نبوده

که نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی تمام وقت (میانگین ۲۵ به ۱ در دانشگاه‌های وابسته به وزارت عتف و ۴۷ به ۱ در دانشگاه‌های غیر دولتی)^۱ در نظام آموزش عالی کشور به آمار جهانی (۱۵ به ۱ در دانشگاه‌های دولتی و ۱۷ به ۱ در دانشگاه‌های غیر دولتی بنا به گزارش OECD) نزدیک شود. همچنین، این نسبت‌ها از چشم‌اندازهای سیاستی کشور مانند نسبت‌های موجود در جدول ۱۱ ماده (۶۶) قانون برنامه ششم که برای سال ۱۴۰۰ نسبت ۲۰ به ۱ برای دانشگاه‌های دولتی و ۴۳ به ۱ برای بخش غیر دولتی پیش‌بینی کرده است، فاصله قابل توجهی دارد؛ اگرچه در دانشگاه آزاد اسلامی این نسبت ۳۲ به ۱ می‌باشد

با این حال شاخص نسبت دانشجو به استاد در ایران از دو منظر قابل نقد است. نخست اینکه هدف‌گذاری قانون برنامه ششم توسعه در خصوص نسبت استاد و دانشجو به دلایلی همچون بی‌توجهی به مأموریت و کارکردهای خاص هر دانشگاه در تعیین نسبت دانشجو به استاد، عدم توجه به ملاحظات هر یک از رشته‌های دانشگاهی در تعیین نسبت دانشجو به استاد و در نظر نگرفتن الزامات مقاطع تحصیلی مختلف در تعیین نسبت دانشجو به استاد؛ کیفیت آموزش عالی را توضیح نمی‌دهد. دوم اینکه موانعی از جمله کاهش درآمد زیر نظام‌های آموزش عالی به دلیل کاهش ارزش شهریه‌های تحصیلی (کاهش حدود ۷۰ درصدی ارزش شهریه ثابت دوره فراگیر دانشگاه پیام‌نور نسبت به سال پایه ۱۳۹۰ بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده) و مشکلات نقل و انتقال نیروی انسانی درون و بین دستگاه‌های اجرایی پیش‌روی برخی از زیر نظام‌های دانشگاهی جهت تعدیل نسبت دانشجو به استاد وجود دارد.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

با در نظر گرفتن موارد فوق پیشنهاد‌های زیر جهت هدف‌گذاری در مصوبات آتی ارائه می‌شود:

اول: نسبت استاد و دانشجو می‌بایست به تفکیک زیر مورد توجه قرار گیرد:

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه‌های علمی-کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی،

۱. در نظام آموزش عالی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی به‌عنوان دانشگاه‌های غیر دولتی شناخته می‌شوند.



میزان بازنشستگی و خروج نیروی انسانی، وضعیت مهاجرتی نیروی انسانی و پویایی بازار کار رشته‌های دانشگاهی،
 ■ اصلاح آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت‌علمی با متنوع‌سازی نوع قراردادهای به کارگیری با تمرکز بر قراردادهای پاره‌وقت.
 ■ انتقال و جابه‌جایی نیروهای انسانی در درون یک زیرنظام و یا بین زیرنظام‌ها (برای حل چنین مواردی و تسهیل جابه‌جایی و انتقال نیروهای مازاد بین دستگاه‌های اجرایی درون استانی و بین استانی در بند «ج» تبصره «۲۰»^۱ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ تدبیری اندیشیده شد).
 ■ تجمیع ظرفیت واحدهای دانشگاهی که دارای دانشجوی اندک هستند در واحدهای بزرگ‌تر. مانند تجمیع برخی واحدهای دانشگاه پیام‌نور به منظور ارتقای توانمندی‌ها و کیفیت این دانشگاه‌ها.

■ نسبت دانشجوی به استاد به تفکیک دانشگاه‌های دولتی پزشکی و غیرپزشکی،
 ■ نسبت دانشجوی به استاد به تفکیک دانشگاه‌های حضوری و مجازی (دانشگاه پیام‌نور)،
 ■ نسبت دانشجوی به استاد به تفکیک مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری،
 ■ نسبت دانشجوی به استاد به تفکیک گروه علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی.
دوم: جهت تعدیل نسبت دانشجوی و استاد در برخی از زیرنظام‌های غیرپزشکی آموزش عالی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
 ■ تهیه سند نیروی انسانی به تفکیک نوع قراردادی و رسمی (اعضای هیئت‌علمی و کارکنان) متناسب با تغییرات جمعیتی،

۱. مقدمه و بیان مسئله

اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و کارکنان دانشگاهی سه رکن اساسی دانشگاه در پیشبرد اهداف آن محسوب می‌شوند. در این میان تناسب تعداد اعضای هیئت‌علمی با تعداد دانشجویان، از آنجایی که ارائه‌دهنده خدمات به دانشجویان در راستای برنامه‌های دانشگاه هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نسبت دانشجوی به هیئت‌علمی از تقسیم تعداد دانشجویان معادل تمام‌وقت به تعداد اعضای هیئت‌علمی معادل تمام‌وقت^۲ در یک مقطع و نوع مؤسسه آموزش عالی خاص به دست می‌آید. نسبت دانشجوی به تعداد هیئت‌علمی، نشانگر میزان منابع علمی موجود در یک کشور است. در مدرسه، معمولاً تصور می‌شود که اگر نسبت دانش‌آموز به معلم پایین باشد، دانش‌آموزان حمایت و توجه بیشتری از معلم خود دریافت می‌کنند. با این حال، تفسیر این شاخص در آموزش عالی به تعریف و کارکردهای اعضای هیئت‌علمی و نیز شیوه‌های تدریس در رشته مورد نظر بستگی دارد. برخی از اساتید ممکن است مسئولیت‌های آموزشی محدودی داشته و بیشتر وقت خود را برای پژوهش صرف کنند. در این حالت، نسبت دانشجوی به هیئت‌علمی نشانگر سطح حمایت و توجه به دانشجویان در کلاس درس نخواهد بود [۱]. همچنین، نسبت دانشجوی به هیئت‌علمی بر شرایط کاری کارکنان علمی و کیفیت تعاملات دانشجوی با استاد تأثیر می‌گذارد که در ادامه دستاوردهای تحصیلی دانشجویان را متأثر خواهد ساخت.

۱. «ج»-به منظور بالا بردن بهره‌وری نیروی انسانی و جلوگیری از افزایش اندازه دولت، سازمان اداری و استخدامی کشور مجاز است با رعایت قوانین و مقررات و قراردادهای معتبر و تعهدات نیروهای رسمی، ثابت و پیمانی مازاد دستگاه‌های اجرایی را به صورت بین دستگاهی، درون استانی و بین استانی جابجایی و منتقل کند، از این رو دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موظفند فهرست اسامی نیروهای مازاد خود را در سامانه‌ای که سازمان اداری و استخدامی به این منظور ایجاد می‌کند، ثبت کنند.

۲. نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی در برخی از کشورها

شاخص باید احتیاط کرد؛ زیرا تفاوت های زیادی بین مؤسسات آموزش های عالی کشورهای مختلف وجود دارد. عواملی مانند ساختار، نوع حکمرانی، مأموریت و مشخصات نظام های آموزش عالی و نیز منابع مالی که به آنها اختصاص داده می شود، بر سطح نیروی انسانی مؤسسات آموزش عالی تأثیر می گذارند.

در میان کشورهای عضو OECD بین نسبت دانشجو به هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی عمومی و مؤسسات آموزش عالی خصوصی تفاوت اندکی وجود دارد. این نسبت در مؤسسات دولتی برابر با ۱۵ و در مؤسسات خصوصی برابر با ۱۷ است (جدول ۱). نکته بسیار مهم در این خصوص این است که در تفسیر این

جدول ۱. نسبت دانشجو به هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی به تفکیک نوع مؤسسه در سال ۲۰۲۰

کشور	مؤسسات عمومی	کل مؤسسات خصوصی	مؤسسات خصوصی وابسته به دولت	مؤسسات خصوصی مستقل
دانمارک	۱۶	۲۸	۲۸	۲۴
لهستان	۱۵	۳۱	-	۳۱
ترکیه	۲۲	۲۳	-	۲۳
ایتالیا	۲۱	۲۰	-	۲۰
آلمان	۱۱	۱۸	-	-
انگلستان	-	۱۳	۱۳	-
ایالات متحده آمریکا	۱۵	۱۱	-	۱۱
متوسط کشورهای OECD	۱۵	۱۷	۱۵	۲۱
متوسط ۲۲ کشور اتحادیه اروپا	۱۴	۱۷	۱۵	۱۸

مأخذ: آموزش در یک نگاه ۲۰۲۲؛ نشانگرهای OECD [۲].

عالی استفاده می کنند؛ برای نمونه، کنفرانس رؤسای دانشگاه های سوئیس^۲ در برنامه راهبردی ۲۰۱۵-۲۰۰۵ خود، نسبت ۶۰ به ۱ را برای همه دوره های کارشناسی و نسبت ۴۰ به ۱ را برای دوره های علوم انسانی و اجتماعی و نسبت ۳۵ به ۱ را برای رشته های علوم فنی در سطح کارشناسی ارشد تعیین کردند [۳].

در بسیاری از کشورها با توده ای شدن آموزش عالی، نسبت دانشجو به هیئت علمی نیز افزایش پیدا کرده است؛ برای مثال، این نسبت در کشور اتریش در بازه ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳ دو برابر شد. در دهه های اخیر ترکیب هیئت علمی در دانشگاه ها تغییرات دیگری نیز داشته است؛ از دهه ۱۹۷۰ اعضای هیئت علمی زن رشد قابل توجهی داشته است که از جهت تأثیر بر هزینه استخدام هیئت علمی، می تواند نسبت دانشجو به هیئت علمی را تغییر دهد. از طرف دیگر، اتخاذ رویکردهای نئولیبرالی در آموزش عالی و افزایش فشارهای

نسبت دانشجو به هیئت علمی^۱ (SFRS) به طور گسترده ای توسط سیاستگذاران و رسانه ها به عنوان معیار کیفیت مؤسسات استفاده می شود. وزن شاخص دانشجو به هیئت علمی در رتبه بندی QS، ۲۰ درصد امتیاز کل است و در رتبه بندی تایمز، نسبت هیئت علمی به دانشجو به عنوان بخشی از شاخص «محیط یادگیری»، ۴/۵ درصد از امتیاز کل را تشکیل می دهد [۳]. از طرف دیگر، برخی از کشورها از نسبت دانشجو به هیئت علمی برای تخصیص بودجه در سطح مؤسسه یا دانشکده استفاده کرده اند. برای نمونه، سوئیس، نسبت دانشجو به هیئت علمی در سطح دانشکده را برای تخصیص منابع اضافی به دوره های خاصی دانشگاهی به کار بسته است [۴]. با توجه به اینکه، شواهد تجربی درباره این موضوع که نسبت دانشجو به هیئت علمی می تواند نشانگر کیفیت باشد، اندک است، اما دولت ها از این نسبت به عنوان شاخص کیفیت نظام آموزش

1. Student-Faculty Ratios (SFRS)

2. Rectors Conference of the Swiss Universities (CRUS)



- با افزایش نرخ ثبت نام در آموزش عالی، نسبت دانشجو به هیئت علمی به ویژه در کشورهای کم درآمد افزایش می یابد،
- با افزایش سهم زنان در ترکیب هیئت علمی، نسبت دانشجو به هیئت علمی کاهش می یابد (به دلیل سطح پایین حقوق و دستمزد آنان)،
- میزان هزینه های تحقیقاتی پرداخت شده به دانشگاه ها با نسبت دانشجو به هیئت علمی رابطه معکوس دارد؛ به طوری که هر یک درصد افزایش در هزینه تحقیق و توسعه (R&D) پرداختی با ۳ درصد کاهش در نسبت دانشجو به هیئت علمی هم بستگی معناداری دارد [۳].

در برخی از نظام های آموزش عالی مرسوم است که رشته های دانشگاهی را با توجه به تفاوت آنها از نظر تعداد نیروی انسانی، فضاها، تجهیزات و مواد مصرفی مورد نیاز به چند دسته تقسیم می کنند. در زمینه استخدام هیئت علمی، تعیین تعداد مورد نیاز مبتنی بر مدت زمان ارتباط و تدریس و تعداد دانشجویانی که قابل آموزش هستند، می باشد. در الگوی مورد استفاده توسط مرکز تأمین مالی آموزش عالی اسکاتلند،^۱ رشته های دانشگاهی به ۶ دسته تقسیم شده است (جدول ۲). ملاحظه می شود که هر چه سطح رشته های دانشگاهی از حالت نظری به کارگاهی و عملی پیش می رود، نسبت دانشجو به استاد کاهش می یابد و این به معنای نیازمندی به عضو هیئت علمی بیشتر است.

مالی بر دانشگاه ها باعث شده است تا تعداد هیئت علمی پاره وقت افزایش یابد که سهم آن در آمریکای لاتین حدود ۸۰ درصد و در میان هیئت علمی جدید ایالات متحده آمریکا بیش از ۵۰ درصد است [۵]. این امر باعث تفکیک نقش های اعضای هیئت علمی شده است؛ به طوری که برخی تنها بر آموزش تمرکز داشته و برخی دیگر فعالیت های پژوهشی انجام می دهند. با افزایش شدت فعالیت های پژوهشی انتظار می رود تا تعداد اعضای هیئت علمی مورد نیاز افزایش و نسبت دانشجو به هیئت علمی کاهش یابد.

با کمر و زانگ در پژوهشی تغییرات نسبت دانشجو به هیئت علمی را در کشورهای مختلف با استفاده از آمار یونسکو در فاصله سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ و بر اساس متغیرهای تولید ناخالص داخلی (GDP)، بودجه آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی، نرخ ناخالص ثبت نام در آموزش عالی، سهم زنان در ترکیب هیئت علمی و گروه درآمدی کشور بررسی کرده اند. مهم ترین یافته های این پژوهش عبارتند از:

- متوسط جهانی نسبت دانشجو به هیئت علمی در بازه زمانی ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۸ در اثر توده ای شدن آموزش عالی از ۱۲ به ۱۷ افزایش یافته است،
- با بالا رفتن گروه درآمدی کشورها، نسبت دانشجو به هیئت علمی در آنها کاهش می یابد،

جدول ۲. تفکیک رشته های دانشگاهی بر اساس نسبت مطلوب دانشجو به هیئت علمی در اسکاتلند (۲۰۲۳)

ردیف	دسته ها	رشته های مرتبط	نسبت دانشجو به هیئت علمی
۱	رشته های مبتنی بر تدریس کلاسی	علوم اجتماعی، علوم انسانی، مطالعات اقتصادی، ادبیات	۱ به ۲۵
۲	رشته های دارای کلاس های پرهزینه	ریاضی، علوم آمار، علوم تربیتی، تربیت معلم، آموزش زبان، ارتباطات	۱ به ۲۱
۳	رشته های نیمه کلاسی- نیمه آزمایشگاهی	علوم کامپیوتر، موسیقی، تربیت بدنی، محیط زیست، هنرهای زیبا، رشته های مرتبط با پزشکی (فیزیولوژی، بیوشیمی و ...)، روان شناسی	۱ به ۱۷
۴	رشته های آزمایشگاهی	علوم طبیعی، پزشکی پیشابالینی	۱ به ۱۵
۵	رشته های آزمایشگاهی پرهزینه	رشته های مهندسی، کشاورزی	۱ به ۱۴
۶	پزشکی بالینی و ...	پزشکی، دندان پزشکی، دام پزشکی، هنرهای موسیقی / بازیگری	۱ به ۱۰

SOURCE: REPUBLIC OF RWANDA HIGHER EDUCATION COUNCIL (2023). Calculating Academic Staffing in Higher Education Institution [6].

1. The Scottish Funding Group

- برخی از کشورها برای تعدیل این نسبت، اعضای هیئت علمی پاره وقت و اعضای هیئت علمی زن را بیشتر به کار گرفتند.
- با افزایش درآمد کشورها، این نسبت کاهش می یابد.
- با افزایش هزینه های تحقیق و توسعه این نسبت کاهش می یابد.
- این نسبت در رشته های نظری مانند علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با رشته های عملی و کارگاه های مانند پزشکی و مهندسی بیشتر است.
- این نسبت برای مقاطع تحصیلی مختلف عدد متفاوتی دارد.

- بنابراین می توان گفت نسبت دانشجوی به عضو هیئت علمی: معیاری برای کیفیت آموزش عالی است.
- این نسبت در مؤسسات خصوصی و دولتی متفاوت است و هیچ گونه نسبت مطلق در این خصوص وجود ندارد.
- این نسبت متأثر از عواملی چون ساختار، نوع حکمرانی و مأموریت های آموزش عالی است.
- با توده ای شدن آموزش عالی این نسبت افزایش می یابد.

۳. وضعیت موجود نسبت دانشجوی به استاد در زیر نظام های غیر پزشکی آموزش عالی ایران

وضعیت موجود این نسبت در زیر نظام های غیر پزشکی توصیف و تحلیل و در ادامه آسیب شناسی خواهد شد. جدول زیر تعداد اعضای هیئت علمی را به تفکیک زیر نظام ها به استثنای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی یک دهه اخیر نشان می دهد. تعداد کل اعضای هیئت علمی در این زیر نظام ها تا سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بالغ بر ۶۹ هزار نفر بوده است.

در جدول ۱۱ ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه دو شاخص «نسبت دانشجوی به هیئت علمی تمام وقت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دستگاه های اجرایی (حضوری)» و «نسبت دانشجوی به هیئت علمی تمام وقت دانشگاه های غیر دولتی» مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. این در حالی است که این شیوه هدف گذاری برای نسبت دانشجوی به عضو هیئت علمی نمی تواند نمایانگر کیفیت یا بی کیفیت آموزش عالی باشد. در این بخش ابتدا

جدول ۳. جمعیت اعضای هیئت علمی در سال های تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به استثنای وزارت بهداشت

جمع	آزاد اسلامی*	غیرانتفاعی	فنی و حرفه ای	فرهنگیان	جامع علمی کاربردی	پیام نور	وزارت عتف	زیر نظام سال تحصیلی
۵۴۸۲۰	۲۸۶۸۳	۲۶۱۱	۶۴	-	۱۰۸	۳۱۲۵	۲۰۲۲۹	۱۳۹۱-۱۳۹۲
۵۷۸۴۸	۲۹۶۰۵	۲۶۵۴	۶۴	-	۱۰۹	۳۴۶۷	۲۱۹۴۹	۱۳۹۲-۱۳۹۳
۶۱۰۷۵	۲۹۶۲۳	۲۹۶۲	۲۰۵	۵۳۹	۱۱۰	۳۸۹۰	۲۳۷۴۶	۱۳۹۳-۱۳۹۴
۶۵۴۰۸	۳۲۴۹۴	۳۲۲۴	۹۶	۷۰۷	۹۷	۳۹۱۹	۲۴۸۷۱	۱۳۹۴-۱۳۹۵
۶۵۱۹۷	۳۲۲۱۱	۲۹۵۴	۳۰۹	۷۳۶	۹۷	۳۶۴۷	۲۵۲۴۳	۱۳۹۵-۱۳۹۶
۶۷۳۲۸	۳۲۲۰۹	۳۱۵۷	۵۳۴	۷۸۴	۱۵	۴۵۱۰	۲۶۱۱۹	۱۳۹۶-۱۳۹۷
۶۸۲۵۸	۳۳۰۴۶	۳۲۵۳	۵۳۴	۷۹۵	۰	۴۱۷۳	۲۶۴۵۷	۱۳۹۷-۱۳۹۸
۶۸۸۵۱	۳۳۹۰۵	۲۹۴۰	۵۳۹	۸۰۴	۰	۳۷۹۶	۲۶۸۶۷	۱۳۹۸-۱۳۹۹
۶۹۵۹۸	۳۴۷۸۶	۲۸۷۲	۶۲۲	۸۰۵	۰	۳۴۷۳	۲۷۰۴۰	۱۳۹۹-۱۴۰۰
۲۶,۹۵	۲۱,۲	۱۰,۰۰	۸۷۱,۸۸	۴۵,۴۵	۸۶,۱۱-	۱۱,۱۴	۳۳,۶۷	رشد (درصد)

مأخذ: براساس آمار منتشر شده توسط مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی طی سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۱. [۷]

* به دلیل در دسترس نبودن داده های مربوط به دانشگاه آزاد اسلامی، از سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸، برای حفظ جامعیت از میانگین رشد سال های ۱۳۹۱-۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ برای محاسبه آمار سال های ۱۳۹۷-۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ استفاده شده است.



شده است). این در حالی است که براساس هدف گذاری ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه [۲]، این نسبت برای دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به ازای هر ۲۰ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی تمام وقت پیش‌بینی شده بود. به عبارت دیگر این شاخص حتی در بهترین حالت خود که متعلق به دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است هم نتوانسته، نقطه هدف برنامه توسعه را محقق کند. این شرایط و شاخص در سایر زیر نظام‌ها ضعیف‌تر است. دانشگاه پیام‌نور که بخشی از هزینه‌های خود را نیز از دولت دریافت می‌کند، به ازای هر ۱۲۵ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی، دانشگاه جامع علمی کاربردی به ازای هر ۳۳۳۳ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی، دانشگاه فرهنگیان به ازای هر ۹۱ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای به ازای هر ۲۷۸ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی و دانشگاه آزاد اسلامی به ازای هر ۳۲ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی داشته‌اند. علاوه بر این، براساس هدف گذاری قانون برنامه ششم توسعه مقرر شده بود تا سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام وقت در دانشگاه‌های غیر دولتی به ۴۳ نفر برسد، این شاخص در سال تحصیلی مذکور در مؤسسات غیرانتفاعی ۹۱ دانشجو به ازای ۱ عضو هیئت علمی بوده که با نقطه هدف فاصله بسیاری داشته است؛ اگر چه در دانشگاه آزاد اسلامی این نسبت ۳۲ به ۱ می‌باشد. همچنین در این میان تلاشی برای بهبود این نسبت با افزایش استخدام اعضای هیئت علمی جدید صورت نگرفته است، و تنها کاهش چشمگیر جمعیت داوطلبان در بسیاری از زیر نظام‌ها به بهبود نسبی این شاخص در بازه ۱۰ ساله مورد بررسی منجر شده است.

با توجه به داده‌های جدول ۳ تعداد اعضای هیئت علمی زیر نظام‌های مختلف به غیر از دانشگاه جامع علمی کاربردی طی سال‌های گذشته رشد داشته‌اند، که دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای، فرهنگیان و دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به ترتیب بیشترین رشد را به خود اختصاص داده‌اند و مؤسسات غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی از رشد کمتری برخوردار بوده‌اند. تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ذیل وزارت عتف از ۲۰۲۲۹ نفر در سال ۱۳۹۲-۱۳۹۱ به ۲۷۰۴۰ نفر در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ رسیده است. همچنین تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه فنی و حرفه‌ای در مدت مشابه از ۶۴ نفر به ۶۲۲ نفر افزایش یافته است. در همین زمینه باید اشاره شود که تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور و مؤسسات غیرانتفاعی به ترتیب تا سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ و ۱۳۹۸-۱۳۹۷ دارای رشد مثبت بوده، اما پس از آن این رشد منفی شده است. در خصوص دانشگاه آزاد اسلامی نیز با توجه به در دسترس نبودن بخشی از داده‌های آن، و برآورد این داده‌ها با استفاده از میانگین نرخ رشد سال‌های قبل، نمی‌توان اظهار نظر دقیقی در این خصوص ارائه داد.

جدول ۴ وضعیت آموزش عالی کشور را در نسبت دانشجویان به اعضای هیئت علمی به تفکیک زیر نظام‌ها در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰-۱۳۹۹ نشان می‌دهد. به جز دانشگاه‌های علوم پزشکی که جامعه هدف این گزارش نبوده‌اند، از میان زیر نظام‌های بررسی شده، دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که بهترین نسبت را در میان سایر زیر نظام‌ها دارد، به ازای هر ۲۵ دانشجو ۱ عضو هیئت علمی تمام وقت وجود داشته است (برای محاسبه جمعیت دانشجویی از جدول ۵ استفاده

جدول ۴. نسبت تقریبی دانشجو به یک عضو هیئت علمی تمام وقت، بین سال‌های تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در زیر نظام‌های غیر پزشکی آموزش عالی [۱]

زیر نظام	وزارت عتف	پیام‌نور	جامع علمی کاربردی	فرهنگیان	فنی و حرفه‌ای	غیرانتفاعی	آزاد اسلامی
۱۳۹۱-۱۳۹۲	۳۳	۳۳۳	۳۳۳۳	-	۲۵۰۰	۱۶۷	۵۳
۱۳۹۲-۱۳۹۳	۳۳	۳۳۳	۵۰۰۰	-	۲۵۰۰	۱۶۷	۵۰
۱۳۹۳-۱۳۹۴	۲۵	۲۰۰	۱۰۰۰۰	۱۲۵	۹۰۹	۱۴۳	۵۵
۱۳۹۴-۱۳۹۵	۲۵	۱۶۷	۵۰۰۰	۱۰۰	۲۰۰۰	۱۱۱	۵۰
۱۳۹۵-۱۳۹۶	۲۵	۱۴۳	۵۰۰۰	۷۷	۶۲۵	۱۱۱	۴۸
۱۳۹۶-۱۳۹۷	۲۵	۱۰۰	۳۳۳۳	۴۵	۴۱۶	۱۰۰	۴۲
۱۳۹۷-۱۳۹۸	۲۵	۱۱۱	-	۵۳	۲۹۴	۹۱	۳۶
۱۳۹۸-۱۳۹۹	۲۵	۱۱۱	-	۸۳	۳۴۵	۹۱	۳۳
۱۳۹۹-۱۴۰۰	۲۵	۱۲۵	-	۱۰۰	۲۷۸	۹۱	۳۲

مأخذ: همان.

۱. یعنی به ازای هر ۴۳ نفر دانشجو یک عضو هیئت علمی تمام وقت حضور داشته باشد.
۲. طی نامه‌نگاری صورت گرفته به شماره ۸۲/۱۶۲۰۰/۶۶۴۳ مورخ ۱۴/۱۷/۲۰۲۰ تاکنون پاسخی از دانشگاه آزاد اسلامی دریافت نشده است.

جدول ۵. جمعیت دانشجویی به تفکیک زیر نظام ها در سال های تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰-۱۳۹۹ [۱]

زیر نظام	وزارت عتف	پیام نور	جامع علمی کاربردی	فرهنگیان	فنی و حرفه ای	غیر انتفاعی	دانشگاه آزاد اسلامی	جمع
۱۳۹۱-۱۳۹۲	۶۳۸۰۵۲	۱۰۱۲۳۸۱	۴۰۶۲۵۰	۰	۱۶۶۹۳۶	۴۳۹۷۴۳	۱۵۱۴۴۰۲	۴۱۷۷۷۶۴
۱۳۹۲-۱۳۹۳	۶۶۷۶۶۱	۹۹۸۷۵۶	۷۰۷۹۳۰	۰	۱۶۷۹۲۵	۴۲۷۲۴۰	۱۵۱۸۱۶۷	۴۴۸۷۶۷۹
۱۳۹۳-۱۳۹۴	۶۶۰۳۸۴	۷۸۳۱۲۷	۸۱۶۶۲۰	۶۳۵۹۷	۱۸۴۱۷۹	۴۱۳۳۱۱	۱۶۸۵۴۶۸	۴۶۰۶۶۸۶
۱۳۹۴-۱۳۹۵	۶۹۸۳۷۹	۶۷۹۰۶۲	۴۸۴۸۶۶	۷۰۴۲۸	۲۰۱۶۶۵	۳۷۶۱۶۸	۱۶۶۱۸۰۹	۴۱۳۲۳۷۷
۱۳۹۵-۱۳۹۶	۶۸۷۰۳۶	۵۴۶۸۸۶	۴۷۳۷۹۸	۵۷۵۹۳	۱۹۷۳۰۵	۳۳۹۳۲۵	۱۵۴۰۵۳۴	۳۸۴۲۴۷۷
۱۳۹۶-۱۳۹۷	۶۷۸۳۱۶	۴۵۵۸۵۸	۳۵۴۳۶۰	۳۵۲۴۵	۲۲۱۳۹۷	۳۱۹۳۰۳	۱۳۲۶۹۸۹	۳۳۹۱۴۶۸
۱۳۹۷-۱۳۹۸	۶۸۲۱۹۰	۴۵۰۵۷۰	۳۱۵۸۹۸	۴۲۸۱۴	۱۵۴۸۵۰	۲۹۵۹۲۷	۱۱۹۹۷۴۱	۳۱۴۱۹۹۰
۱۳۹۸-۱۳۹۹	۶۷۹۷۰۸	۴۰۹۰۱۴	۲۲۴۹۱۰	۶۷۵۵۹	۱۸۴۸۱۶	۲۶۱۶۶۸	۱۱۲۲۴۴۱	۲۹۵۰۱۱۶
۱۳۹۹-۱۴۰۰	۷۰۱۶۲۰	۴۱۹۸۷۷	۲۲۷۸۱۶	۷۸۴۴۳	۱۷۰۷۱۷	۲۵۷۲۲۹	۱۱۲۲۴۴۱	۲۹۷۸۱۴۳
درصد نرخ رشد سالیانه	۹٫۹۶	-۵۸٫۵۲	-۴۳٫۹۲	۲۳٫۳۴	۲٫۲۶	-۴۱٫۵	-۲۵٫۸۸	-۲۸٫۷۱

مأخذ: همان.

۴. آسیب شناسی نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی در کشور

بلندمدت به داوطلبان آموزش حرفه می دهد، تفاوت هایی دارد. این دانشگاه ها از نظر نیازمندی اعضای هیئت علمی بسیار متفاوت عمل می کنند. نیازمندی های دانشگاه علمی کاربردی به مدرس از طریق حق التدریس و به صورت پاره وقت قابل رفع است. در صورتی که دانشگاه فنی و حرفه ای نیازمند اساتید تمام وقت می باشد. علاوه بر این دانشگاه پیام نور که یک دانشگاه نیمه حضوری است و بخش زیادی از آموزش ها به صورت خودخوان صورت می گیرد، قاعدتاً نیازمند نیروی انسانی کمتری به نسبت سایر دانشگاه های دولتی کشور است.

به طور کلی مشخص است که نسبت دانشجو به استاد وابسته به مأموریت و کارکرد هر یک از دانشگاه ها متفاوت است و به هیچ وجه نمی توان یک میانگین کلی برای همه دانشگاه های دولتی و غیردولتی پیش بینی کرد. بر این اساس هدف گذاری قانون برنامه ششم توسعه که صرفاً نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی را به تفکیک دولتی و غیردولتی ذکر کرده، قابل نقد است و به فرض تحقق این هدف گذاری هم نمی توان در خصوص کیفیت آموزش عالی در این دو بخش قضاوت صحیحی داشت. به ویژه اینکه تجارب جهانی در این زمینه نیز نشان می دهد که آمارها و عملکردها زمانی معنا پیدا می کند که به تفکیک نوع دانشگاه، نوع آموزش و رشته تحصیلی نسبت های وجود داشته باشد.

اگرچه نسبت های موجود با آنچه در جدول ۱۱ ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه هدف گذاری شده است، فاصله بسیاری دارد، اما نمی توان در خصوص آنها قضاوت صحیحی داشت. به عبارتی اعداد به دست آمده از وضعیت موجود نسبت دانشجو به استاد، کیفیت آموزش عالی کشور را توضیح نمی دهند. دلایل این موضوع را می توان در شکل هدف گذاری مقنن جستجو کرد. آسیب های این بخش به شرح زیر است:

۱-۴. بی توجهی به مأموریت و کارکردهای خاص هر دانشگاه در تعیین نسبت دانشجو به استاد

نظام آموزش عالی ایران متشکل از زیر نظام های دولتی و خصوصی متنوعی است که هر یک مأموریت و اهداف خاصی را دنبال می کنند. در این میان ساختار آموزشی و پژوهشی آنها نیز تا حدودی متفاوت از یکدیگر است. به طور مثال هر چند هر دو دانشگاه علمی-کاربردی و فنی و حرفه ای شباهت بسیاری با یکدیگر دارند و هر دو در سطوح ۴ و ۵ صلاحیت حرفه ای فعالیت می کنند؛ اما دانشگاه علمی-کاربردی که برای آموزش های مبتنی بر نیاز بازار کار و به صورت پودمانی فعالیت می کنند و هر یک دوره های آموزشی به صورت موقت دایر و پس از اتمام آموزش با نیازهای جدیدتر شغلی جایگزین می شوند با دانشگاه فنی و حرفه ای که به صورت ترمی-واحدی و دوره های رسمی تر و



دارد که یکی از این موارد نسبت دانشجویان به استاد است. دوره‌های کارشناسی که معطوف به آموزش و یادگیری مبانی هریک از رشته‌های دانشگاهی است، از این نسبت بالاتر است و هر چه سطح مقاطع تحصیلی دانشجویان بالاتر می‌رود این نسبت کاهش می‌یابد، زیرا دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برای انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به تعامل بیشتری با اعضای هیئت علمی دارند. بررسی برنامه ششم توسعه در این خصوص نیز نشان می‌دهد قانونگذار در هدف گذاری از این عامل هم غفلت کرده است و طبیعتاً بدون وجود آمارهایی از این دست نمی‌توان قضاوت صحیحی در خصوص کیفیت آموزش عالی داشت.

البته در خصوص هر سه مورد فوق، **مرااتب علمی اعضای هیئت علمی** در تعیین نسبت دانشجویان به عضو هیئت علمی نقش عامل مداخله‌گر را دارد. اگر چه شورای گسترش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در تیرماه ۱۳۹۹ به منظور حفظ و ارتقای کیفیت آموزش عالی مصوبه «**الگوی تخصیص ظرفیت پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی**» را تصویب و ابلاغ نمود. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که پس از ابلاغ این مصوبه تغییر محسوسی در روند نسبت دانشجویان به استاد در دانشگاه‌ها رخ نداد. همان گونه که در نمودار ۱ مشخص است میزان پذیرش (به‌زای هر عضو هیئت علمی) در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ و ۱۴۰۰-۱۳۹۹ با سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ که الگویی اجرا شده است، در زیر نظام‌های مربوط به وزارت علوم، دانشگاه پیام‌نور، غیرانتفاعی و فرهنگیان تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

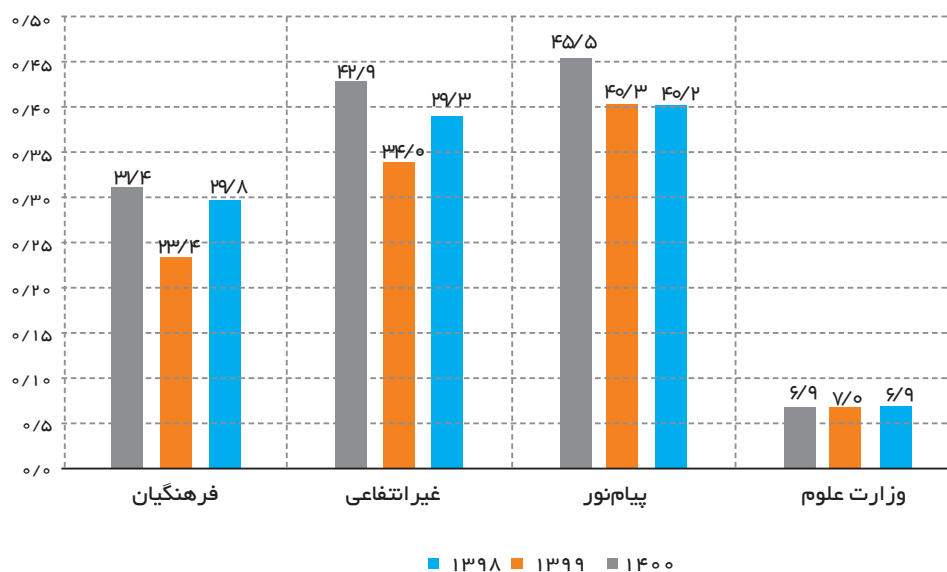
۲-۴. عدم توجه به ملاحظات هریک از رشته‌های دانشگاهی در تعیین نسبت دانشجویان به استاد

همان‌طور که بیان شد نمی‌توان در رابطه با نسبت دانشجویان به استاد براساس میانگین ملی و بدون تفکیک دانشگاه از نظر کارکردی قضاوت صحیحی داشت، این نسبت را نیز نمی‌توان بدون توجه به تفاوت در هریک از رشته‌های دانشگاهی از نظر نوع آموزش و روش‌های آموزش مورد بررسی قرار داد. رشته‌های علوم انسانی با توجه به ماهیت نظری آنها و عمدتاً مبتنی بر روش تدریس سخنرانی قاعدتاً نیازمندی‌های عددی متفاوتی به اعضای هیئت علمی در مقایسه با رشته‌های عملی و کارگاهی مانند علوم پزشکی و مهندسی دارند. همچنین رشته‌های گروه علوم پایه که فعالیت آزمایشگاهی دارند نیز ملاحظات مخصوص به خود را در این رابطه دارند. از این رو با وجود اینکه در گزارش‌های دیگر کشورها برای هریک از این گروه‌های علمی اعداد متفاوتی از نسبت دانشجویان به استاد را اعلام شده است (به‌نحوی که اختلاف عددی نسبت دانشجویان به استاد بین رشته‌های علوم انسانی و علوم پزشکی حدود ۱۵ نفر است)، اما در هدف گذاری برنامه ششم توسعه این مهم مورد توجه قانونگذار نبوده و صرفاً به یک میانگین ملی اکتفا شده است که نمی‌تواند دالی بر کیفیت یا بی کیفیت نظام آموزش عالی باشد.

۳-۴. در نظر نگرفتن الزامات مقاطع تحصیلی مختلف در تعیین نسبت دانشجویان به استاد

هریک از مقاطع تحصیلی در دانشگاه بسته به اهداف طراحی شده برای آن دوره، نیازمندی‌های آموزشی و پژوهشی متنوعی

نمودار ۱. میزان پذیرش در مقطع کارشناسی در برخی از زیر نظام‌های آموزش عالی به‌زای هر عضو هیئت علمی در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰



مأخذ: آمارهای مشترک سازمان سنجش آموزش کشور و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

یکی از ایرادهای مصوبه حاضر یکسان نگری نسبت به همه زیر نظام های دانشگاهی است به شکلی که وضعیت دانشگاه های فنی و حرفه ای، پیام نور و علمی-کاربردی که دارای مأموریت و کارکرد متعدد و متکثر دارند، به فراموشی سپرده شده است [۸]. علاوه بر آسیب های فوق که ناظر به مصوبات قانونی و مقرراتی درباره نسبت دانشجو به استاد است، در ادامه برخی از موانع جدی پیش روی برخی از زیر نظام های دانشگاهی جهت تعدیل نسبت دانشجو به استاد نیز آورده شده است. به عبارتی عملکرد برخی از زیر نظام ها در نسبت دانشجو و استاد که در جدول ۳ می تواند به دلایل زیر باشد.

۱- کاهش درآمد زیر نظام های آموزش عالی به دلیل کاهش ارزش شهریه های تحصیلی

منبع اصلی درآمد برخی از زیر نظام های آموزش عالی مانند مؤسسات غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی از محل شهریه های دانشجویی است. این منبع برای دانشگاه پیام نور نیز در کنار اعتبارات عمومی یک محل درآمد اساسی است. با این وجود به دلیل کاهش ارزش شهریه های دریافتی از دانشجویان در سال های اخیر که به دلایل اقتصادی و تورم بالا اتفاق افتاده است، منابع مالی این زیر نظام ها کفاف استخدام نیروی انسانی متناسب با تعداد دانشجو را نمی دهد.

در ادامه برای توضیح بیشتر این مورد به بررسی میزان رشد شهریه ثابت دانشگاه پیام نور پرداخته می شود. نمودار روند رشد شهریه ثابت دانشگاه پیام نور در مقطع کارشناسی ارشد (فراگیر) براساس داده های مندرج در دفترچه راهنمای شرکت در آزمون این دوره طی ۱۰ سال گذشته در نمودار ۲ نشان داده شده است.

مصوبه فوق خود دارای ایراداتی به شرح زیر است:

همان طور که بیان شد تخصیص ظرفیت پذیرش می تواند تابع شاخص های متنوعی از جمله مأموریت دانشگاه ها، عملکرد آموزشی و پژوهشی دانشگاه، منابع مالی و کالبدی، اشتغال فارغ التحصیلان، قراردادهای پژوهشی، فضا و تجهیزات آموزشی، آزمایشگاهی و کارگاهی و ... باشد. در حالی که در این مصوبه صرفاً مراتب اعضای هیئت علمی مورد توجه قرار گرفته است.

تعیین ظرفیت پذیرش (به صورت ثابت) بدون در نظر گرفتن نرخ ریزش^۱ دانشجو می تواند به کاهش بهره وری منابع و امکانات منجر شود.

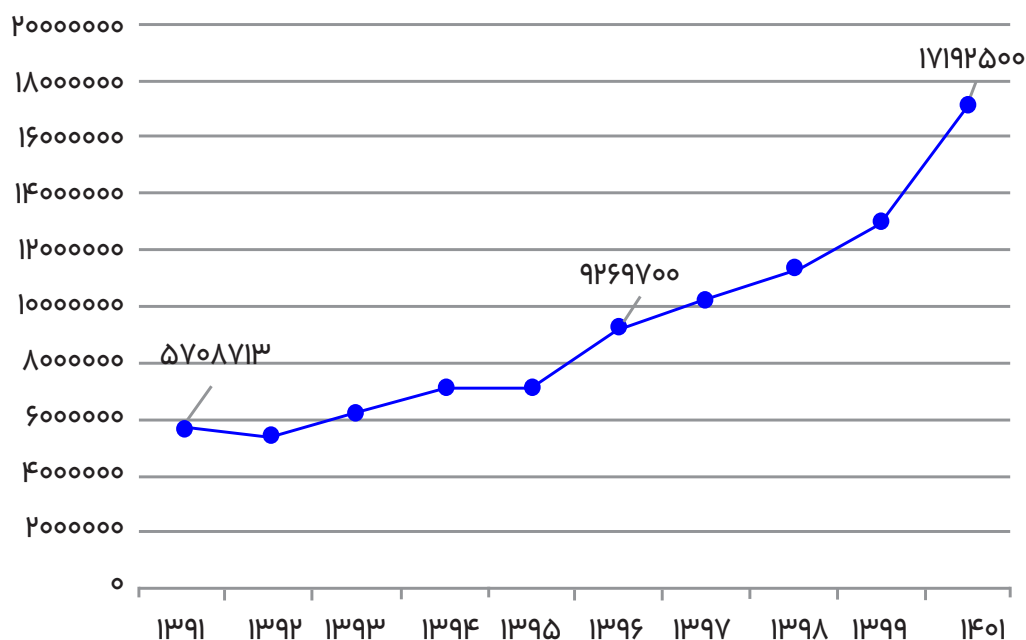
ارتباط مصوبه فوق، با قوانین و مصوبات دیگری همچون «قانون سنجش و پذیرش دانشجو» با موضوع تعیین روش پذیرش دانشجو؛ مصوبه «سیاست های اجرایی اقدام ملی ۱۴ از راهبرد کلان ۶ مربوط به تنظیم ظرفیت مؤسسات آموزش عالی» یا «ماده (۲۱) قانون افزایش بهره وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی» با موضوع ساماندهی تعداد دانشجو، رشته و ترکیب جنسیتی دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی مشخص نیست.

مصوبه فوق در خصوص زیر نظام های دانشگاهی رفتار دوگانه دارد. توضیح اینکه در این الگو دانشگاه های غیرانتفاعی این اجازه را دارند تا علاوه بر اعضای هیئت علمی مؤسسه ها، همه اعضای هیئت علمی وابسته و حق التدریس را نیز در محاسبه ظرفیت منظور کنند، در حالی که دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که از نظر منابع انسانی و کالبدی اغلب شرایط بهتری از این دست از دانشگاه ها دارند، تنها مجاز به محاسبه اعضای هیئت علمی تمام وقت خود در محاسبه ظرفیت هستند.

۱. منظور تعداد دانشجویانی است که پس از پذیرفته شدن در یک رشته محل، به دلایل مختلف تحصیلات خود را در رشته محل قبولی ادامه نمی دهند.

(تعداد فارغ التحصیلان - تعداد پذیرفته شدگان) / تعداد پذیرفته شدگان * ۱۰۰

نمودار ۲. روند رشد شهریه ثابت دانشگاه پیام‌نور طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ (ارقام به ریال)

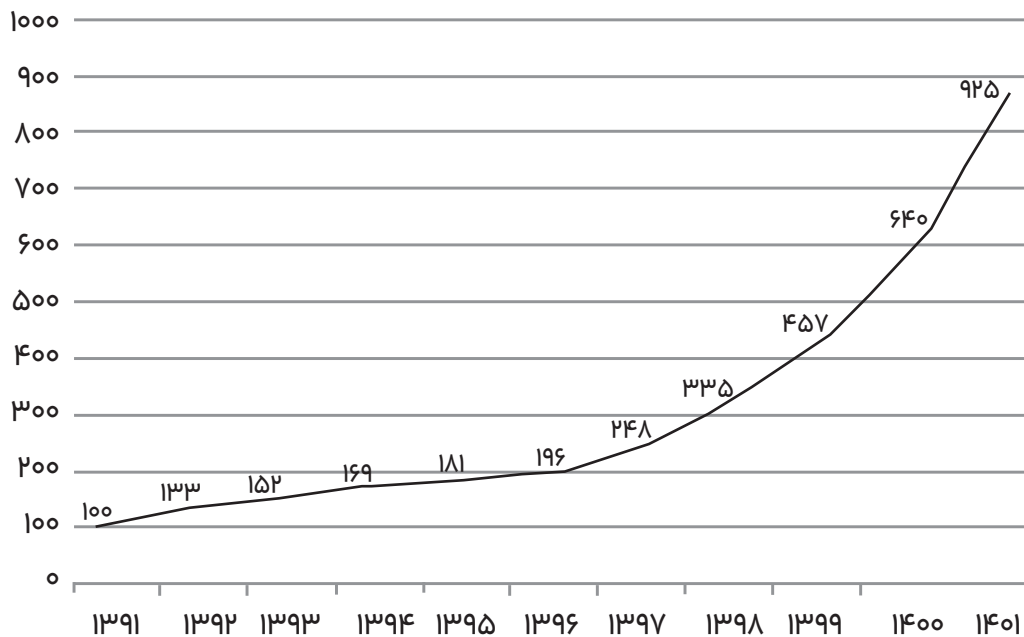


مأخذ: احصا شده از دفترچه‌های راهنمای پذیرش دوره‌های فراگیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام‌نور بین سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ [۱۰].

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ شهریه ثابت دانشگاه پیام‌نور برای دوره‌های کارشناسی ارشد از ۵۷۰ هزار تومان به یک میلیون و ۷۱۹ هزار تومان افزایش یافته که به معنی حدود ۲۰۰ درصد رشد است. در نگاه اول شاید این میزان رشد طی ۱۰ سال قابل ملاحظه باشد، اما دقت در نمودار ۳ که مربوط به شاخص قیمت مصرف‌کننده ((CPI^۱) طی همین سال‌هاست نشان می‌دهد شهریه ثابت دریافتی این دانشگاه از دانشجویان فراگیر کارشناسی ارشد که در سال ۱۴۰۱ معادل یک میلیون و ۷۱۹ هزار تومان بوده است، معادل ۱۸۵ هزار و ۸۶۴ تومان در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان سال پایه است. مقایسه این مقدار با شهریه ثابت این دانشگاه در سال ۱۳۹۱ که مبلغ ۵۷۰ هزار تومان بوده بدین معناست که ارزش مبلغ دریافتی در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱ به میزان ۶۷ درصد (۳۸۵ هزار تومان) کاهش یافته است.

۱. Consumer Price Index: این شاخص معیاری برای اندازه‌گیری تغییر در قیمت میانگین کالا و خدمات مصرفی یک خانوار متوسط است. این شاخص نشان‌دهنده تورمی است که مصرف‌کنندگان در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند.

نمودار ۳. نمودار شاخص قیمت مصرف کننده طی سال های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ (سال پایه ۱۳۹۱)



مأخذ: براساس داده های مرکز ملی آمار، اسفند ۱۴۰۱ [۱]

عالی موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور عمل می کنند. یعنی نقل و انتقال اعضای هیئت دانشگاه ها تابع مصوبات هیئت امناست و حکم قانونی خاصی در این زمینه مشاهده نمی شود. با توجه به اینکه ممکن است هیئت های امنای دانشگاه ها دچار تعارض منافع شوند و از پذیرش اعضای هیئت علمی سایر دانشگاه ها در صورت مازاد بودن و یا انتقال اعضای هیئت علمی دانشگاه متبوع به سایر دستگاه ها مقاومت کنند، بهتر است حکمی قانونی در این خصوص پیش بینی شود. اگر چه در بند «ج» تبصره «۲۰» قانون بودجه سال ۱۴۰۱، سازمان اداری و استخدامی کشور مجاز شده بود با رعایت قوانین و مقررات و قراردادهای معتبر و تعهدات نیروهای رسمی، ثابت و پیمانی مازاد دستگاه های اجرایی را به صورت بین دستگاهی، درون استانی و بین استانی جایابی و منتقل کند. بنابراین، تمدید این حکم و یا حکم مشابهی در قوانین دائم و یا موقت می تواند به موانع قانونی و یا مقاومت دستگاه های اجرایی به نقل و انتقال نیروی های مازاد پایان دهد.

بنابراین به دلیل افزایش هزینه های ناشی از تورم و عدم افزایش شهریه دانشگاه ها متناسب با رشد تورم، دانشگاه های همچون آزاد اسلامی، پیام نور، جامع علمی کاربردی و مؤسسات غیرانتفاعی که وابسته به شهریه دانشجویی هستند، با کاهش درآمد و ضعف مالی در افزایش استخدام نیروهای انسانی مواجه هستند.

۲- مشکلات نقل و انتقال نیروی انسانی درون و بین دستگاه های اجرایی

یکی از مشکلات پیش روی متوازن کردن نیروی انسانی در دستگاه های اجرایی و از جمله دانشگاه ها و سایر مؤسسات آموزشی و پژوهشی موانع قانونی و مقرراتی پیش روی نقل و انتقال نیروی انسانی است. بر طبق ماده (۱۱۷) «قانون مدیریت خدمات کشوری»، اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از احکام «قانون مدیریت خدمات کشوری» مستثنا شده اند و در چارچوب مصوبات و آیین نامه های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی هیئت امنای دانشگاه ها و مؤسسات آموزش

۱. «ج»- به منظور بالا بردن بهره وری نیروی انسانی و جلوگیری از افزایش اندازه دولت، سازمان اداری و استخدامی کشور مجاز است با رعایت قوانین و مقررات و قراردادهای معتبر و تعهدات نیروهای رسمی، ثابت و پیمانی مازاد دستگاه های اجرایی را به صورت بین دستگاهی، درون استانی و بین استانی جایابی و منتقل کند، از این رو دستگاه های اجرایی مشمول ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری موظفند فهرست اسامی نیروهای مازاد خود را در سامانه ای که سازمان اداری و استخدامی به این منظور ایجاد می کند، ثبت کنند.



۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها



بررسی شاخص نسبت دانشجوی به استاد در برخی از کشورها نشان می‌دهد که نسبت دانشجوی به استاد:

■ معیاری برای کیفیت آموزش عالی است.

■ میانگین این نسبت در مؤسسات خصوصی حدود ۱۷ و در مؤسسات دولتی حدود ۱۵ است، اگر چه هیچ‌گونه نسبت مطلق در این خصوص وجود ندارد.

■ این نسبت متأثر از عواملی چون ساختار، نوع حکمرانی و مأموریت‌های آموزش عالی است.

■ با افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه این نسبت کاهش می‌یابد.

■ این نسبت در رشته‌های نظری مانند علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با رشته‌های عملی و کارگاه‌های مانند پزشکی و مهندسی بیشتر است. به طوری که در رشته‌های علوم انسانی این نسبت ۲۵ و در رشته‌های پزشکی بالینی ۱۵ است.

■ این نسبت برای مقاطع تحصیلی مختلف عدد متفاوتی دارد.

بر این اساس وضعیت این شاخص در ایران از دو منظر قابل نقد است. اول اینکه هدف‌گذاری قانون برنامه ششم توسعه در خصوص نسبت استاد و دانشجو به دلایلی همچون بی‌توجهی به مأموریت و کارکردهای خاص هر دانشگاه در تعیین نسبت دانشجوی به استاد، عدم توجه به ملاحظات هریک از رشته‌های دانشگاهی در تعیین نسبت دانشجوی به استاد و در نظر نگرفتن الزامات مقاطع تحصیلی مختلف در تعیین نسبت دانشجوی به استاد؛ کیفیت آموزش عالی را توضیح نمی‌دهد. دوم اینکه موانعی از جمله کاهش درآمد زیرنظام‌های آموزش عالی به دلیل کاهش ارزش شهریه‌های تحصیلی و مشکلات نقل و انتقال نیروی انسانی درون و بین دستگاه‌های اجرایی پیش‌روی برخی از زیرنظام‌های دانشگاهی جهت تعدیل نسبت دانشجوی به استاد وجود دارد.

با در نظر گرفتن موارد فوق پیشنهاد‌های زیر جهت هدف‌گذاری در مصوبات آتی ارائه می‌شود:

اول: نسبت استاد و دانشجو می‌بایست به تفکیک زیر مورد توجه قرار گیرد:

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه‌های علمی-کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه و مؤسسات غیرانتفاعی،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه‌های دولتی پزشکی و غیرپزشکی،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک دانشگاه‌های حضوری و مجازی (دانشگاه پیام‌نور)،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری،

■ نسبت دانشجو به استاد به تفکیک گروه علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و پزشکی.

دوم: جهت تعدیل نسبت دانشجوی و استاد در برخی از زیرنظام‌های غیرپزشکی آموزش عالی پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

■ تهیه سند نیروی انسانی به تفکیک نوع قراردادی و رسمی (اعضای هیئت علمی و کارکنان) متناسب با تغییرات جمعیتی، میزان بازنشستگی و خروج نیروی انسانی، وضعیت مهاجرتی نیروی انسانی و پویایی بازار کار رشته‌های دانشگاهی،

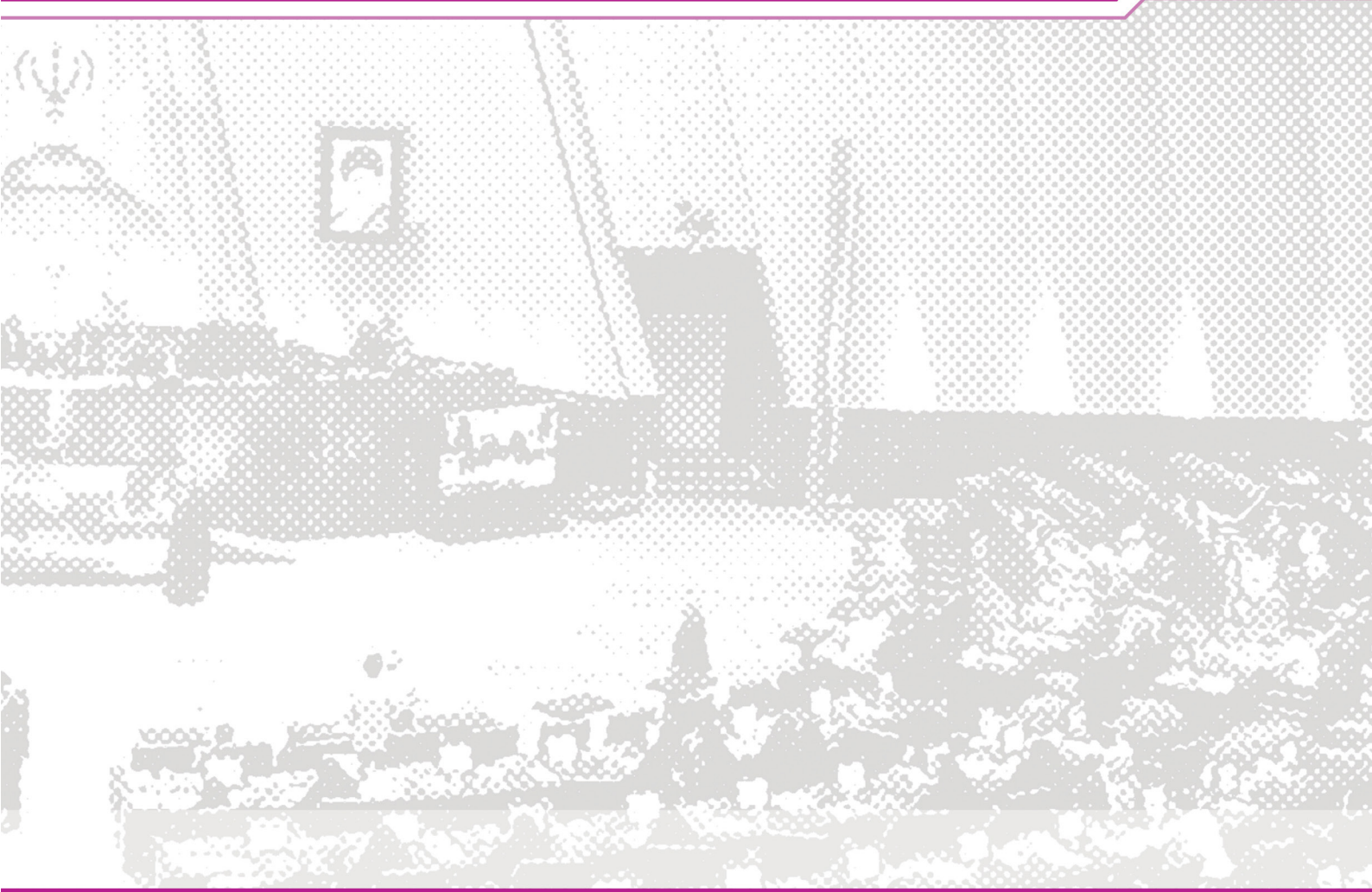
■ اصلاح آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی با متنوع‌سازی نوع قراردادهای به کارگیری با تمرکز بر قراردادهای پاره‌وقت.

■ انتقال و جابه‌جایی نیروهای انسانی در درون یک زیرنظام و یا بین زیرنظام‌ها (برای حل چنین مواردی و تسهیل جابه‌جایی و انتقال نیروهای مازاد بین دستگاه‌های اجرایی درون استانی و بین استانی در بند «ج» تبصره «۲۰» قانون بودجه سال ۱۴۰۱ تدبیری اندیشیده شد).

■ تجمیع ظرفیت واحدهای دانشگاهی که دارای دانشجوی اندک هستند در واحدهای بزرگ‌تر. مانند تجمیع برخی واحدهای دانشگاه پیام‌نور به منظور ارتقای توانمندی‌ها و کیفیت این دانشگاه‌ها.



- [1]. OECD, Education at a Glance 2019: OECD Indicators, OECD Publishing, Paris, 2019 <https://doi.org/10.1787/f8d7880d-en>.
- [2]. OECD, Education at a Glance 2022: OECD Indicators, OECD Publishing, Paris, 2022, <https://doi.org/10.1787/3197152b-en>.
- [3]. Buckner, E., & Zhang, Y. The quantity-quality tradeoff: A cross-national, longitudinal analysis of national student-faculty ratios in higher education. Higher Education, 2021, 82, 39-60. <https://doi.org/10.1007/s10734-020-00621-3>
- [4]. Schenker-Wicki, A., & Inauen, M. The economics of teaching. Higher Education Management and Policy, 2012, 23(3), 1–20.
- [5]. Altbach, P. G., Reisberg, L., & Rumbley, L. E. (2009). Trends in global higher education: Tracking an academic revolution. Paris, France: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- [6]. REPUBLIC OF RWANDA HIGHER EDUCATION COUNCIL. Calculating academic staffing in higher education institution, 2023.
- [۷]. آمار آموزش عالی ایران. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹.
- [۸]. مرکز پژوهش‌های مجلس. یوسفی، ه. گزارش نظارتی در خصوص «الگوی تخصیص ظرفیت پذیرش دانشجو» در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی،، مهرماه ۱۴۰۱. شماره مسلسل ۱۸۴۶۲.
- [۹]. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.
- [۱۰]. دفترچه‌های راهنمای پذیرش دوره‌های فراگیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام‌نور بین سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱.
- [۱۱]. مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir